

بررسی حدود و شرایط انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی  
علی صفا وزین (نویسنده مسئول)  
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه نراق، مرکزی، ایران.  
airsagostar2005@gmail.com  
حسن پوربافرانی  
دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.  
hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

## چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یکی از موضوعات پیچیده و چالش‌برانگیز در نظام حقوق کیفری معاصر است. با گسترش فعالیت‌های اشخاص حقوقی و تأثیرات آن‌ها بر نظم عمومی، مسئله قابلیت انتساب جرایم، به‌ویژه جنایات عمدی، به این نهادها از اهمیت زیادی برخوردار شده است. مسئولیت کیفری اصولاً فرع بر ارتکاب جرم، اعم از عمدی یا غیرعمدی، است، اما ظهور و بروز این مسئله بیشتر در حوزه جرایم عمدی مشهود است. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است، اما در خصوص انتساب جنایات عمدی به این اشخاص، سکوت قانون‌گذار باعث بروز اختلاف نظر میان حقوقدانان شده است. برخی این جنایات را به دلیل ماهیت فردمدارانه و نیاز به قصد و اراده شخصی، غیرقابل انتساب به اشخاص حقوقی می‌دانند. در مقابل، عده‌ای معتقدند که اراده جمعی و سیاست‌های سازمانی می‌تواند مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی باشد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات تطبیقی، به بررسی قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی پرداخته و نشان می‌دهد که هرچند این جنایات ذاتاً فردمحور هستند، اما بررسی رویه‌های حقوقی تطبیقی و برخی تفاسیر از قوانین داخلی نشان می‌دهد که می‌توان در چارچوب خاصی، زمینه‌های پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را فراهم کرد. در این راستا، پژوهش حاضر با تحلیل مفاهیم بنیادین و نظام‌های حقوقی مرتبط، تلاش می‌کند تا ضمن بررسی ظرفیت‌های حقوقی موجود، راهکارهایی برای شفاف‌سازی وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی ارائه دهد.

**کلیدواژگان:** اشخاص حقوقی، جنایات عمدی، قابلیت انتساب، مسئولیت کیفری.

## ۱. مقدمه

مسئولیت کیفری (Criminal Liability) اشخاص حقوقی (Legal Persons) یکی از مباحث پیچیده و مناقشه‌برانگیز در نظام حقوق کیفری معاصر است. در ابتدای شکل‌گیری این مفهوم، بسیاری از نظریه‌پردازان حقوقی با مسئول دانستن اشخاص حقوقی مخالفت کردند. زیرا این اشخاص فاقد جسم، روح، و اراده ذهنی برای ارتکاب رفتار مجرمانه بودند. با این حال، صنعتی شدن جوامع و گسترش فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری، منجر به وقوع حوادث متعددی ناشی از اقدامات اشخاص حقوقی شد که مسئولیت کیفری این نهادها را به یکی از الزامات حقوقی بدل ساخت. در این میان، دیدگاه‌های واقع‌گرایانه‌ای شکل گرفت که معتقد بودند اشخاص حقوقی ماهیتی مستقل و متفاوت از انسان‌ها دارند و می‌توانند مسئولیت کیفری داشته باشند. از منظر قانون‌گذاری، اولین سند بین‌المللی که به صورت رسمی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفت، کنوانسیون پالمو مصوب دسامبر ۲۰۰۰ بود. در ایران نیز، این مفهوم ابتدا به صورت پراکنده و در قوانینی مانند قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۳۴، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، و قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مورد اشاره قرار گرفت. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، زمینه برای شناسایی رسمی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراهم شد. مطابق تبصره ماده ۱۴ این قانون، «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود و اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود.» با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک اصل در نظام حقوقی ایران پذیرفته شد. این تحول تلاش داشت تا یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوق کیفری را با اذعان به اهلیت جنایی اشخاص حقوقی در قبال جرایم تعزیری، روشن کند.<sup>۱</sup> پس از تصویب این قانون، رویه‌های قضایی متفاوتی شکل گرفت. برخی دادگاه‌ها با استناد به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، همچنان رویکرد سنتی را ادامه دادند. گروهی دیگر، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به عنوان مسئولیتی تبعی و وابسته به مسئولیت اشخاص حقیقی تلقی کردند. در مقابل، عده‌ای این مسئولیت را نوعی مسئولیت مدنی مبتنی بر فعل غیر دانستند، و برخی نیز مسئولیت کیفری مستقیم برای اشخاص حقوقی قائل شدند. نظام حقوقی کامن‌لا در مواجهه با این مسئله سابقه طولانی‌تری دارد و به راه‌حل‌های پیشرفته‌تری دست یافته است.<sup>۲</sup>

برخی صاحب‌نظران معتقدند که به دلیل ماهیت فردمحور جنایات عمدی، انتساب این نوع جرایم به اشخاص حقوقی با چالش‌های جدی مواجه است. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که بخش قابل توجهی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون، همچون انحلال، مصادره کل اموال و برخی محرومیت‌های قانونی، به طور خاص برای مقابله با جرایم عمدی طراحی شده‌اند و این امر می‌تواند مبنایی برای پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این دسته از جرایم باشد. در نتیجه، اختلاف‌نظرها نه در اصل قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، بلکه در نحوه اعمال و میزان مسئولیت کیفری آن‌ها متمرکز است.

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صورت کلی بیان می‌دارد که شخص حقوقی تنها زمانی مسئول است که نماینده آن به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود. با وجود این، پذیرش این قاعده به عنوان اصل، با ابهامات قابل توجهی همراه است. یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز، قابلیت یا عدم قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی است. برخی صاحب‌نظران معتقدند که به دلیل ماهیت فردمحور جنایات عمدی، انتساب این نوع جرایم به اشخاص حقوقی با چالش‌های جدی مواجه است. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که بخش قابل توجهی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون، همچون انحلال، مصادره کل اموال و برخی محرومیت‌های قانونی، به طور خاص برای مقابله با جرایم عمدی طراحی شده‌اند و این امر می‌تواند مبنایی برای پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این دسته از جرایم باشد. در نتیجه، اختلاف‌نظرها نه در اصل قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، بلکه در نحوه اعمال و میزان مسئولیت کیفری آن‌ها متمرکز است. در مقابل، دیدگاه دیگری معتقد است که عدم امکان اجرای برخی از مجازات‌های خاص جرایم عمدی بر اشخاص حقوقی، به معنای نفی قابلیت انتساب این جرایم به آن‌ها نیست. به بیان دیگر، بحث اصلی در اینجا، نه امکان‌سنجی اعمال مجازات، بلکه بررسی مبانی و شرایط انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی است. این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که نحوه اعمال مجازات‌ها نباید

<sup>۱</sup> محسن شریفی، دانشنامه مسئولیت کیفری: مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران (نشر حقوقی میزان، ۱۳۹۸)

<sup>۲</sup> عبدالحسین شیروبی، حقوق تطبیقی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۴۰۰)

به‌عنوان دلیلی برای رد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این نوع جرایم تلقی شود. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که آیا دلایلی برای تعدیل این تصور که تنها انسان موضوع مسئولیت کیفری در قتل و جنایات عمدی است، وجود دارد؟ و آیا می‌توان اشخاص حقوقی را نیز در قتل و جنایات عمدی از منظر کیفری مسئول دانست؟ با توجه به مواد ۲۰ و ۱۴۳ و همچنین تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آیا می‌توان جنایات عمدی را به اشخاص حقوقی منتسب دانست؟ در این راستا، مبانی نظری مقاله پس از مفهوم‌شناسی واژگان، به بررسی دیدگاه‌های موجود درباره قابلیت انتساب جرم به اشخاص حقوقی و موضع حقوق کیفری ایران می‌پردازد. در بخش یافته‌ها نیز، قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی از میان تمامی جرایم به‌طور ویژه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۲. روش پژوهش

روش پژوهش به‌صورت تحلیلی-توصیفی و با رویکرد کیفی طراحی شده است. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع حقوقی داخلی و بین‌المللی انجام شده است. در این پژوهش، با استفاده از منابع حقوقی داخلی و بین‌المللی، به بررسی مفهوم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و قابلیت انتساب جنایات عمدی به آن‌ها پرداخته شده است. ابتدا مبانی نظری مرتبط با جنایات، اشخاص حقوقی، و مسئولیت کیفری مورد مطالعه قرار گرفته و سپس با تحلیل مواد قانونی موجود در حقوق ایران، به‌ویژه مواد ۱۴، ۲۰، و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواضع قانون‌گذار ایرانی تبیین شده است. این پژوهش علاوه بر تحلیل قوانین داخلی، از مطالعات تطبیقی برای بررسی دیدگاه‌ها و رویه‌های حقوقی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و اسناد بین‌المللی، مانند کنوانسیون پالرمو، بهره برده است. روش پژوهش در بخش نظری با تحلیل مفاهیم پایه و ارزیابی نظریه‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی انجام شده و در بخش یافته‌ها به‌طور خاص، امکان‌سنجی قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی بر اساس اصول و قواعد حقوقی ایران بررسی شده است. رویکرد پژوهش با استفاده از تجزیه و تحلیل منطقی قوانین و آرای قضایی موجود تلاش کرده است تا ضمن شناسایی چالش‌ها، راهکارهایی عملی برای اصلاح و تکمیل نظام حقوقی ایران ارائه دهد.

## ۳. مفهوم شناسی

### ۱/۳ جنایت

جرم به معنای هر فعل یا ترک فعلی است که قانون آن را ممنوع کرده و برای ارتکاب آن مجازاتی تعیین شده است. جرم نقض نظم عمومی و قواعد اجتماعی محسوب می‌شود و برای تضمین امنیت و عدالت در جامعه، در قوانین موضوعه تعریف شده است. برای تحقق جرم، وجود سه عنصر اصلی الزامی است: عنصر قانونی که بیانگر این است که هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه در قانون تعریف و منع شده باشد؛ عنصر مادی که به رفتار خارجی و ملموسی اشاره دارد که ممکن است به شکل فعل یا ترک فعل ظاهر شود؛ و عنصر روانی که به قصد یا حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم بازمی‌گردد. اصطلاح جنایت در حقوق کیفری به‌طور خاص‌تر برای جرایمی به‌کار می‌رود که موضوع آن انسان است و شامل واردکردن آسیب به تمامیت جسمانی افراد می‌شود.<sup>۳</sup> جنایت بر نفس، عضو، و منفعت به سه دسته عمدی، غیرعمدی، و خطای محض تقسیم می‌شود. جنایت همچنین در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در کنار جنحه و خلاف قرار داشت و مجازات‌هایی همچون اعدام، حبس ابد، تبعید، و محرومیت از حقوق اجتماعی برای آن در نظر گرفته می‌شد. با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هر رفتاری که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> جنایت مفهومی خاص‌تر است که به جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد اشاره دارد و جنبه عمومی پیدا کرده است.<sup>۵</sup>

### ۲/۳ اشخاص حقوقی

شخص حقوقی به نهادها، گروه‌ها، یا منافع اطلاق می‌شود که قانون برای آن‌ها شخصیت مستقل از اعضا یا بنیان‌گذاران‌شان قائل شده و همانند اشخاص حقیقی، موضوع حقوق و تکالیف قرار می‌گیرند. اشخاص حقوقی می‌توانند مالک اموال شوند، تعهدات قانونی بپذیرند، بدهکار یا طلبکار باشند، قرارداد منعقد کنند و در دعاوی حقوقی یا کیفری طرف دعوا قرار گیرند. این مفهوم به‌منظور تسهیل فعالیت‌های گروهی و

<sup>۳</sup> عباس زراعت، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (تهران: جاودانه جنگل، ۱۴۰۲)، ۲.

<sup>۴</sup> حسین آقایی نیا، حقوق کیفری اختصاصی (نشر میزان، ۱۴۰۲)

<sup>۵</sup> حسین میرمحمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص) (نشر میزان، ۱۴۰۱)

سازمانی در حوزه‌های مختلف حقوقی، اعم از مدنی، تجاری و عمومی، به رسمیت شناخته شده است. اشخاص حقوقی شامل دو دسته اصلی می‌شوند: اشخاص حقوقی عمومی، مانند دولت و شهرداری‌ها که در راستای منافع عمومی فعالیت می‌کنند، و اشخاص حقوقی خصوصی، مانند شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرانتفاعی که در راستای منافع خاص یا عمومی بنیان‌گذاری شده‌اند. شخصیت حقوقی ابزاری حقوقی است که با فراهم کردن امکان مشارکت جمعی و ایجاد شفافیت در تعاملات، به اهداف اقتصادی، اجتماعی و حقوقی جوامع خدمت می‌کند.<sup>۶</sup>

### ۳/۳. مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری به حالتی اطلاق می‌شود که فرد یا نهادی به دلیل ارتکاب یک عمل مجرمانه یا ترک یک وظیفه قانونی، بر اساس قوانین موضوعه مستحق تحمل مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی شناخته شود. این مفهوم بر اصولی نظیر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مسئولیت استوار است.<sup>۷</sup> مسئولیت کیفری دارای دو عنصر اساسی است: عنصر مادی و عنصر روانی. عنصر مادی به فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای اشاره دارد که اثر خارجی داشته و در قانون به‌عنوان جرم تعریف شده است. عنصر روانی، نیت یا حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم را شامل می‌شود و می‌تواند سوءنیت عمدی، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی باشد. همچنین مسئولیت کیفری به اهلیت کیفری فرد وابسته است؛ به این معنا که فرد باید توانایی درک ماهیت عمل مجرمانه و اراده آزاد در انجام آن را داشته باشد. در نظام حقوقی، مسئولیت کیفری علاوه بر اشخاص حقیقی، به اشخاص حقوقی نیز تسری یافته است.<sup>۸</sup> بر اساس ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی آن به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.<sup>۹</sup>

### ۴. دیدگاه‌های ناظر بر قابلیت یا عدم امکان انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی

#### ۱/۴. مدل‌های حقوقی درباره قابلیت انتساب جرم به شخص حقوقی

در مورد قابلیت انتساب جرم به شخص حقوقی، به طور کلی شش نظریه مطرح شده است. با این حال، با توجه به اینکه نظریه تجمع (Aggregation Theory) و نظریه قدرت (Power Theory) در حقوق کیفری ایران مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند، برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، از بررسی این دو نظریه صرف‌نظر می‌شود. در این راستا، تنها به بررسی چهار نظریه‌ای پرداخته خواهد شد که در حقوق کیفری ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

#### ۲/۴. انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی در حقوق ایران

انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی در حقوق ایران مستلزم رعایت شروطی است که قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کرده است. این ماده ارتکاب جرم توسط نماینده شخص حقوقی و انجام آن به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی را ضروری می‌داند. در نظام حقوق کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی تنها در صورتی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود که نماینده قانونی آن به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.<sup>۱۰</sup> بر این اساس، صرف وجود یک رفتار مادی که قانون آن را جرم تلقی کرده است، برای احراز بزهکاری کافی نیست و مرتکب باید از نظر روانی نیز دارای قصد مجرمانه یا عمد باشد. در نظام حقوقی کامن‌لا نیز تعقیب کیفری جرائم مستلزم اثبات رفتار مجرمانه و وجود رکن معنوی لازم است. این دیدگاه فردمحورانه مسئولیت کیفری را منوط به تقارن رکن مادی و معنوی در یک فرد طبیعی می‌داند. بر این اساس، به نظر می‌رسد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم عمدی با محدودیت مواجه است؛ زیرا این افراد حقیقی هستند که به نمایندگی از شخصیت حقوقی رفتار می‌کنند و از حالات روانی لازم برای ارتکاب جرم برخوردارند. با این حال، برای صحت این دیدگاه باید موضوع از جنبه‌های مختلف بررسی شود و محدودیت در انتساب رکن مادی و معنوی جرائم عمدی و غیرعمدی به اشخاص حقوقی تحلیل گردد. با بررسی مواد قانونی مربوط به قابلیت انتساب جرم به اشخاص حقوقی، می‌توان دریافت که قانون‌گذار ایرانی در این زمینه رویکرد واحدی ندارد.<sup>۱۱</sup> از یک سو، در ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بر اساس اصل موسع نمایندگی بنا کرده است و

<sup>۶</sup> محسن شریفی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان (نشر میزان، ۱۴۰۲)

<sup>۷</sup> محمد صالح ولیدی، حقوق جزا (مسئولیت کیفری) (تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۱)، ۳.

<sup>۸</sup> رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰)، ۵.

<sup>۹</sup> مجتبی جعفری، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۵، ۲۰.

<sup>۱۰</sup> هوشنگ شامیبانی، حقوق جزای عمومی، (تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۲)، (۶).

<sup>۱۱</sup> رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰)، ۵.

سخت‌گیری کیفری را اعمال کرده است. از سوی دیگر، در تبصره ماده ۱۴ با تأکید بر احراز رابطه علت میان رفتار شخص حقوقی و نتیجه زیان‌بار، به‌عنوان شرط محکومیت، به نظریه مسئولیت سازمانی گرایش نشان داده است. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که قانون‌گذار ضمن عدول از نظریه مسئولیت نیابتی، به سمت پذیرش دیدگاهی متمرکز بر فرهنگ و سیاست‌های شخص حقوقی حرکت کرده است. چنین تناقضی در قانون‌گذاری نشان‌دهنده نیاز به بررسی بیشتر و تعیین معیارهای دقیق‌تر برای انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی است.

#### ۳/۴. رویکرد در خصوص انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی

رویکرد در خصوص انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی در جرائم تعزیری و مستوجب دیه در قوانین ایران مشخص شده است، اما در مورد جنایات عمدی، قانون‌گذار سکوت اختیار کرده است. بر اساس قاعده "التعزیر بما یراه الحاکم"، انتساب جرائم تعزیری به اشخاص حقوقی مشکلی ایجاد نمی‌کند و این امر به تشخیص حاکم واگذار شده است. در خصوص جنایات مستوجب دیه نیز، قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این جرایم را به اشخاص حقوقی قابل انتساب دانسته است. با این حال، سکوت قانون‌گذار در مورد جنایات عمدی، زمینه اختلاف نظر میان حقوقدانان را فراهم کرده است. برخی این سکوت را به معنای عدم قابلیت انتساب این نوع جرایم به اشخاص حقوقی تفسیر می‌کنند، در حالی که دیگران معتقدند ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که حوزه شمول آن به جنایات عمدی نیز گسترش یابد. این اختلاف نظر باعث ایجاد دیدگاه‌های متعارض درباره قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی شده است. در نتیجه، عدم تصریح قانون‌گذار در این زمینه باعث ابهام در تعیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی شده است و نیاز به بررسی دقیق‌تر و ارائه راه‌حل‌های حقوقی مناسب احساس می‌شود. ارائه تفسیری روشن از قوانین موجود یا اصلاح قانون می‌تواند به حل این تعارض و ایجاد رویه‌ای هماهنگ در نظام حقوقی کمک کند.

#### ۴/۴. رویکرد عدم امکان انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی

برخی از حقوقدانان بر این باورند که بر اساس کلیت ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان انتساب جرایم عمدی به اشخاص حقوقی وجود ندارد. آنان برای اثبات این دیدگاه، دلایلی را مطرح کرده‌اند که در ادامه به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۵/۴. عدم امکان انتساب جنایات عمدی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی

ایراد دیگری که مخالفان نسبت به قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی مطرح می‌کنند، عدم امکان تحقق این جرایم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی است. از دیدگاه این نویسندگان، ارتکاب جرایمی مانند شرب خمر و قتل عمد توسط اشخاص حقوقی غیرممکن است؛ زیرا چنین جرایمی نمی‌توانند به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی رخ دهند.<sup>۱۲</sup> بنابراین، علت اصلی تردید در امکان انتساب جرایم عمدی به اشخاص حقوقی، عدم انطباق این جرایم با شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی است. به‌ویژه در مورد جنایاتی مانند قتل عمد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان قصد مجرمانه را به شخص حقوقی نسبت داد و آیا ساختار قانونی فعلی ظرفیت پذیرش چنین مسئولیتی را دارد؟ مخالفان این دیدگاه بر این باورند که جنایات عمدی، به دلیل ماهیت فردمدارانه و وابستگی به قصد و اراده شخصی، قابل انتساب به اشخاص حقوقی نیستند. در مقابل، برخی معتقدند که می‌توان بر مبنای سیاست‌های سازمانی و تصمیم‌گیری‌های کلان، اشخاص حقوقی را در قبال جرایم عمدی نیز مسئول شناخت.<sup>۱۳</sup> از سوی دیگر، مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقوقی نیز نمی‌توانند اهداف و فلسفه مجازات‌ها را به‌طور کامل محقق کنند. تحقق مسئولیت کیفری مستلزم وجود تقصیر است و این امر به وجود اراده‌ای مستقل و مختار بستگی دارد که تنها در انسان عاقل و بالغ یافت می‌شود. اشخاص حقوقی فاقد این خصوصیات هستند و نمی‌توانند قصد و اراده افراد و اعضای خود را داشته باشند. بنابراین، انتساب سوءنیت و قصد مجرمانه به اشخاص حقوقی بی‌معنی است و بدون وجود این عنصر، جرمی تحقق نمی‌یابد تا مسئولیتی مطرح شود. علاوه بر این، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تعارض است. اگر افراد داخل یک واحد حقوقی مرتکب جرمی شوند، همان افراد باید تحت پیگرد قرار گیرند. مجازات یک شخصیت حقوقی به معنای اعمال مجازات بر تمامی اعضای آن، حتی کسانی که دخالتی در ارتکاب جرم نداشته‌اند، خواهد بود. این امر با عدالت کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی مغایرت دارد. اشخاص حقوقی فاقد درک، اختیار و ذهن برای فکر کردن یا جسم برای عمل کردن هستند. این افراد حقیقی

<sup>۱۲</sup> حسن پور بافرانی، حقوق جزای عمومی، مجرم و مسئولیت کیفری، (انتشارات جاودانه جنگل، ۱۴۰۲)

<sup>۱۳</sup> محسن شریفی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان (نشر میزان، ۱۴۰۲)

هستند که به نمایندگی از اشخاص حقوقی رفتار کرده و ویژگی‌های روانی لازم برای ارتکاب جرم را دارند. در نتیجه، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی با محدودیت‌های جدی مواجه است و نمی‌توان آن‌ها را همانند افراد حقیقی مسئول دانست.

#### ۶/۴. عدم قید مجازات‌های جنایات عمدی در تبصره ۱۴ و ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی جرایم را با توجه به نوع مجازات به بخش‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده است. با این حال، در تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، تصریحی به قابلیت اعمال مجازات جرایم عمدی بر اشخاص حقوقی نشده است. این عدم تصریح موجب اختلاف نظر درباره حدود و دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال این جرایم شده است. از یک سو، برخی معتقدند که اجرای مجازات‌های سنتی جرایم عمدی بر اشخاص حقوقی با چالش‌هایی مواجه است، اما از سوی دیگر، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در برخی نظام‌های حقوقی، جایگزین‌هایی برای اعمال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این جرایم پیش‌بینی شده است. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است که ضمن تحلیل مبانی حقوقی، امکان‌پذیری و محدودیت‌های انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی را بررسی کرده و چارچوبی را برای تبیین مسئولیت کیفری این اشخاص پیشنهاد دهد.

#### ۷/۴. رویکرد فرد مدارانه بودن جنایات عمدی

رویکرد فردمدارانه بودن جنایات عمدی از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان مجازات اشخاص حقوقی در جرایم عمدی به شمار می‌رود. بر اساس این دیدگاه، آثار مجازات اشخاص حقوقی به‌طور غیرمستقیم متوجه افراد بی‌گناهی همچون کارکنان، سهامداران، و دریافت‌کنندگان خدمات و تولیدات اشخاص حقوقی می‌شود که با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مغایرت دارد. یکی از ایرادات اساسی وارد بر انتساب جرایم عمدی به اشخاص حقوقی، فردمدار بودن این نوع جرایم است. با این حال، تحلیل رویه‌های قضایی نشان می‌دهد که در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در مواردی که جرم در راستای سیاست‌های سازمانی یا منفعت جمعی رخ داده است، پذیرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، در پرونده خون‌های آلوده در ایران، سازمان انتقال خون و وزارت بهداشت به دلیل سهل‌انگاری و کوتاهی در کنترل کیفی فرآورده‌های خونی، محکوم شدند. این پرونده نشان می‌دهد که هرچند امکان اجرای برخی از مجازات‌های سنتی بر اشخاص حقوقی وجود ندارد، اما دادگاه‌ها در راستای مسئولیت‌پذیر ساختن نهادهای حقوقی، به اعمال مجازات‌های جایگزین پرداخته‌اند. مفهوم فردمدار بودن جنایات عمدی به این معناست که این جنایات تنها توسط انسان، به عنوان موجودی دارای اراده و اختیار، قابل ارتکاب هستند و در نتیجه تنها به افراد حقیقی قابل انتساب می‌باشند. با این حال، نمی‌توان به‌طور مطلق این دیدگاه را پذیرفت؛ چراکه بررسی رویه‌های حقوقی تطبیقی، به‌ویژه در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا، نشان می‌دهد که اشخاص حقوقی می‌توانند از طریق سیاست‌های کلان و تصمیمات مدیریتی، زمینه‌ساز ارتکاب جنایات عمدی شوند.

#### ۸/۴. محدودیت‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی

محدودیت‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی همواره مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، ماهیت فردمدارانه عنصر معنوی در ارتکاب جرم است. اثبات سوءنیت مجرمانه و قصد ارتکاب جرم، که در بسیاری از جرایم عمدی نظیر قتل ضروری است، به‌طور سنتی به اراده و اختیار شخص حقیقی مرتبط دانسته شده است. از این رو، انتساب چنین جرایمی به اشخاص حقوقی با محدودیت‌هایی مواجه است. یکی از این محدودیت‌ها، عدم قابلیت اشخاص حقوقی در بهره‌مندی از اراده مستقل و مختار است؛ زیرا اعمال آن‌ها تنها از طریق نمایندگان یا مدیران حقیقی‌شان انجام می‌شود. با این حال، این بحث صرفاً به جنایات عمدی محدود نمی‌شود و می‌توان این چالش را در مورد سایر انواع جرایم نیز مطرح کرد. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی شرایطی را برای انتساب جرایم به اشخاص حقوقی مشخص کرده است، اما شمول آن بر همه انواع جرایم، از جنایات گرفته تا جرایم سبک‌تر نظیر جنحه و خلاف، همچنان مورد اختلاف نظر است. برخی از حقوقدانان معتقدند که عدم امکان تحقق عنصر معنوی در اشخاص حقوقی، چالشی کلی در تمامی جرایم محسوب می‌شود، نه صرفاً در جنایات عمدی.

#### ۹/۴. محدودیت در انتساب رکن مادی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی

محدودیت در انتساب رکن مادی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حقوق کیفری بوده است. در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق کیفری انگلستان، تعریف قتل به "سلب حیات یک انسان توسط انسان دیگر" محدود شده است که این امر منجر به برداشت عدم امکان ارتکاب قتل توسط اشخاص حقوقی شده است.<sup>۱۴</sup> در حقوق کیفری ایران، اگرچه تعریف قانونی مشخصی از قتل ارائه نشده است، اما برخی از حقوقدانان قتل عمدی را "سلب عمدی حیات از دیگری بدون مجوز قانونی" تعریف کرده‌اند.<sup>۱۵</sup> این تعریف نیز بیانگر آن است که ارتکاب این جرم تنها از سوی انسان قابل تصور است.<sup>۱۶</sup> یکی از محدودیت‌های اساسی در انتساب رکن مادی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، لزوم احراز رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت کیفری است. در دهه هشتاد، ایران با واردات فرآورده‌های خونی آلوده از شرکت فرانسوی «مریو» مواجه شد که منجر به ابتلای تعدادی از بیماران هموفیلی به ویروس‌های ایدز و هیپاتیت گردید. این واقعه به تشکیل پرونده‌ای قضایی انجامید که در آن وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون ایران به دلیل قصور در نظارت و کنترل کیفی این فرآورده‌ها محکوم شدند. در این پرونده، دادگاه علاوه بر تعیین خسارات مادی، برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، خسارات معنوی نیز برای بیماران در نظر گرفت و وزارت بهداشت را ملزم به عذرخواهی رسمی از بیماران نمود. همچنین، سازمان انتقال خون و وزارت بهداشت به دلیل اظهارات توهین‌آمیز نسبت به خانواده بیماران، موظف به عذرخواهی در روزنامه‌ها شدند. علی صابری، وکیل بیماران هموفیلی، در مصاحبه‌ای اظهار داشت که از زمان دولت دوم محمود احمدی‌نژاد، حدود ۱۵۰۰ نفر از بیماران به حق خود نرسیدند و در دنیا و آخرت طلبکار کسانی هستند که این ضربه را زدند. این پرونده نشان‌دهنده چالش‌های حقوقی مرتبط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی است. با وجود محکومیت نهادهای دولتی، بحث‌هایی درباره امکان انتساب مستقیم جرایم عمدی به اشخاص حقوقی و نحوه اجرای مجازات‌های مرتبط با آن‌ها وجود دارد. رابطه سببیت در حقوق کیفری به معنای وجود پیوندی مستقیم و مؤثر بین رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه است. در این زمینه، جنایات عمدی همچون قتل و صدمات بدنی به عنوان جرائم نتیجه‌مدار شناخته می‌شوند که تحقق آن‌ها مستلزم وجود رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل مجرمانه و نتیجه جرم است. در حقوق کیفری کامن‌لا، رابطه سببیت شامل دو مؤلفه سبب واقعی و سبب قانونی است. سبب واقعی به این معناست که رفتار مجرمانه شرط ضروری برای تحقق نتیجه جرم باشد و احراز آن بر اساس ضابطه "اگر نبود، نتیجه نیز رخ نمی‌داد" انجام می‌گیرد. سبب قانونی نیز بر این نکته تأکید دارد که هر رفتاری که شرط ضروری نتیجه است، تنها در صورتی موجب مسئولیت کیفری خواهد شد که نقش مؤثری در تحقق نتیجه مجرمانه ایفا کرده باشد.<sup>۱۷</sup> در نظام حقوق کیفری ایران، انتساب رکن مادی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی با محدودیت‌های دیگری نیز مواجه است. نخستین محدودیت به تعریف قتل و اختصاص آن به رفتار انسانی مربوط می‌شود. دومین محدودیت، به دشواری احراز رابطه سببیت کیفری میان رفتار شخص حقوقی و نتیجه جرم بازمی‌گردد. برای مثال، شرکتی که در حوزه تولید مواد شیمیایی فعالیت می‌کند و با علم به خطرناک بودن مواد تولیدی خود، اقدام به انجام آزمایش‌هایی می‌کند که منجر به مرگ یا آسیب جدی به افراد می‌شود، تنها در صورتی می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد که رابطه سببیت میان عمل ارتكابی و نتیجه مجرمانه به وضوح احراز گردد. با این حال، استناد مباشرت در قتل به رفتار شخص حقوقی در اغلب موارد بعید است و تأکید بر نقش نمایندگان حقیقی در ارتکاب جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.<sup>۱۸</sup> در نتیجه، محدودیت‌های ذاتی در ماهیت اشخاص حقوقی و نیاز به اثبات رابطه سببیت در جنایات عمدی، انتساب رکن مادی این جرایم به اشخاص حقوقی را با چالش‌های قابل توجهی مواجه کرده است. این موضوع همچنان به عنوان یکی از مسائل بحث‌برانگیز در نظام‌های حقوقی باقی مانده است.

#### ۴/۱۰. محدودیت در انتساب رکن معنوی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی

محدودیت در انتساب رکن معنوی جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، یکی از چالش‌های اساسی در پذیرش مسئولیت کیفری این دسته از اشخاص است. برخلاف اشخاص حقیقی که دارای ذهن و اراده مستقل هستند، اشخاص حقوقی به‌عنوان ساختارهای غیرانسانی، فاقد قصد

<sup>14</sup> Christina Wells, "Corporate Criminal Liability: A Global Overview," Cambridge University Press, ۲۰۲۳.

<sup>۱۵</sup> حسین میر محمدصادقی، مروری بر حقوق جزای انگلستان (چاپ اول، تهران: نشر حقوق‌دان، ۱۴۰۲)

<sup>16</sup> Mohammad Mir Mohammad-Sadeghi, "Principles of Criminal Law in Iran: Theory and Practice," Tehran Law Publications, ۲۰۲۳.

<sup>17</sup> David Gibson, and James Simmonds, "The Evolving Landscape of Corporate Criminal Liability: Recent Developments and Future Directions," Journal of Business Law, 2022, 35(2), 210-233.

<sup>۱۸</sup> حسن پور بافرانی، حقوق جزای عمومی، مجرم و مسئولیت کیفری، (انتشارات جاودانه جنگل، ۱۴۰۲)

مجرمانه به معنای سنتی آن‌اند. با این حال، برخی نظام‌های حقوقی با توسعه نظریه "اراده جمعی" و "سیاست‌های سازمانی"، امکان انتساب رکن معنوی جرم را به اشخاص حقوقی مطرح کرده‌اند. در این راستا، به جای نفی مطلق امکان انتساب جنایات عمدی، باید بر شرایط و معیارهای تحقق این انتساب متمرکز شد. در حقوق کیفری ایران، رکن معنوی جرم شامل قصد مجرمانه و خطای کیفری است. هرچند در جرایم غیرعمدی مبتنی بر غفلت، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی امکان‌پذیر دانسته شده، اما در مورد جنایات عمدی، همچنان چالش‌های بسیاری مطرح است. در این زمینه، بررسی رویه‌های تطبیقی و مطالعه پیشنهادهای اصلاحی، می‌تواند راهکارهایی برای نظام حقوقی ایران ارائه دهد. برخلاف دیدگاهی که انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی را به‌طور کامل رد می‌کند، این پژوهش در پی بررسی الگوهای جایگزین برای مفهوم سنتی رکن معنوی در جرایم عمدی و تحلیل امکان یا عدم امکان تحقق آن در ساختارهای حقوقی سازمانی است.<sup>۱۹</sup>

#### ۱۱/۴. رویکرد ناظر بر امکان انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی

رویکرد امکان انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی از جمله مباحث چالش‌برانگیز در حوزه مسئولیت کیفری است. بررسی سابقه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی و صدمات بدنی نشان می‌دهد که دادگاه‌ها از یک سو تمایل به تعقیب کیفری اشخاص حقوقی در این جرایم به منظور حفظ نظم عمومی و رعایت حق حیات داشته‌اند و از سوی دیگر، در بسیاری از موارد با ناکامی مواجه شده‌اند. پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی همچنان موضوع بحث و منازعات علمی میان حقوقدانان، اساتید دانشگاه و مراکز قانون‌گذاری است. در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم تعزیری، معمولاً مشکلی وجود ندارد و قانون‌گذار با صراحت این مسئولیت را تأیید کرده است. همچنین، در مورد جنایات مستوجب دیه، قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دیدگاهی انعطاف‌پذیر اتخاذ کرده و این جرایم را به اشخاص حقوقی قابل انتساب دانسته است. با این حال، در قبال جنایات عمدی، قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی سکوت اختیار کرده است. این سکوت باعث ایجاد اختلاف نظر میان حقوقدانان و دیدگاه‌های متعارض در خصوص قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی شده است.<sup>۲۰</sup> طرفداران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی معتقدند که اشخاص حقوقی، به دلیل برخورداری از اراده جمعی و تصمیم‌گیری مشترک، از نظر قصد و اراده شبیه اشخاص حقیقی هستند. به عبارت دیگر، زمانی که یک شخص حقوقی تصمیمی با جنبه جزایی اتخاذ می‌کند، در حقیقت قصد مجرمانه و اراده انحرافی خود را بروز داده و بنابراین، عنصر روانی جرم را دارا است.<sup>۲۱</sup> هرچند بسیاری از مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون جزایی، مانند اعدام و حبس، مختص اشخاص حقیقی هستند و بر اشخاص حقوقی قابل اعمال نیستند، اما این امر دلیلی بر عدم امکان مجازات اشخاص حقوقی نیست. بلکه، نیاز به تصویب قوانین و مجازات‌های متناسب با افعال مجرمانه اشخاص حقوقی وجود داشته که تا حدی با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محقق شده است. در پاسخ به این دیدگاه، منتقدان اشاره می‌کنند که طیف گسترده‌ای از مجازات‌ها وجود دارد که می‌توان بر اشخاص حقوقی اعمال کرد. به عنوان مثال، به جای اعدام می‌توان حکم انحلال مؤسسه و به جای حبس، حکم تعطیلی موقت آن را صادر کرد. موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز بر این باورند که اجرای کیفر علیه اشخاص حقوقی، به اصل شخصی بودن مجازات‌ها لطمه وارد نمی‌کند. هرچند آثار مجازات ممکن است به افراد بی‌گناه، همچون کارکنان یا سهامداران، آسیب وارد کند، این وضعیت در مورد اشخاص حقیقی نیز وجود دارد. برای مثال، مجازات فرد مجرم ممکن است به همسر و فرزندان او آسیب مادی و معنوی وارد کند. از نظر حقوقی، واژه "شخص" در قوانین کیفری شامل هر دو دسته اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود. با توجه به این که در قوانین کیفری کنونی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده و دارای اعتبار قانونی است، اجرای مجازات بر اشخاص حقوقی با اصل قانونی بودن مجازات‌ها منافاتی ندارد. بنابراین، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی همچنان موضوعی محل بحث است، اما سکوت قانون‌گذار در این زمینه نیازمند تفسیر دقیق و در صورت لزوم اصلاح قانونی است.<sup>۲۲</sup>

#### ۱۲/۴. امکان اعمال مجازات‌های تعزیری بر اشخاص حقوقی به جهت انتساب جنایات عمدی به آن‌ها

امکان اعمال مجازات‌های تعزیری بر اشخاص حقوقی به جهت انتساب جنایات عمدی به آن‌ها از جمله موضوعات قابل بررسی در حقوق کیفری است. در پاسخ به ایراد مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی، می‌توان گفت که تبصره ماده ۱۴ قانون

<sup>۱۹</sup> احمد حاجی ده آبادی، جرائم علیه اشخاص (قتل) (نشر میزان، ۱۴۰۱)

<sup>۲۰</sup> منصور میر سعیدی، «ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و اسلام» (رساله دکترای، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷).

<sup>۲۱</sup> حسین میرمحمد صادقی، حقوق جزای عمومی (جلد دوم، مسئولیت کیفری، چاپ اول دادگستر، ۱۴۰۲)

<sup>۲۲</sup> منصور میر سعیدی، «ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و اسلام» (رساله دکترای، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷).

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی است. عدم تعیین مجازات‌هایی نظیر قصاص نفس و قطع عضو در تبصره مذکور و ماده ۲۰ این قانون امری طبیعی به نظر می‌رسد؛ زیرا اعمال چنین مجازات‌هایی بر اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نیست. باین‌حال، در فرض احراز تسبب جنایی و وجود ارتباط مستقیم میان جنایت ارتكابی و ساختار شخص حقوقی، می‌توان به مسئولیت کیفری نهاد حقوقی در چارچوبی خاص قائل شد. در چنین حالتی، اگرچه مجازات‌های شخصی مانند قصاص نمی‌تواند متوجه شخص حقوقی شود، اما اعمال تدابیر جایگزین مانند جریمه‌های سنگین، انحلال، یا تعلیق فعالیت می‌تواند به‌عنوان واکنشی متناسب به این جرایم در نظر گرفته شود. بنابراین، در مواردی که شخص حقوقی نه صرفاً در قالب ظل (سایه) یک عنوان کلی، بلکه به‌عنوان یک ساختار سازمان‌یافته و دارای اراده جمعی موجب ارتكاب جنایت شده است، می‌توان در چارچوبی خاص، مسئولیت کیفری آن را بررسی کرد.<sup>۲۳</sup> در فرض پذیرش قابلیت انتساب این جنایات به اشخاص حقوقی، هیچ ارتباطی میان سقوط مجازات شخص حقیقی مرتکب جرم و قابلیت انتساب این جنایات به شخص حقوقی وجود ندارد. به این معنا که حتی اگر شخص حقیقی به دلایلی مانند عفو یا صدور حکم برائت از مجازات‌رهایی یابد، این امر تأثیری بر مسئولیت کیفری شخص حقوقی نخواهد داشت. از سوی دیگر، اگر شخص حقیقی از علل موجهه جرم برخوردار باشد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز منتفی خواهد شد. اما در مواردی که علل رافع مسئولیت کیفری برای شخص حقیقی اعمال شود، مسئولیت شخص حقوقی همچنان پابرجا خواهد بود. ایجاد ملازمه میان عدم ذکر مجازات جنایات عمدی در مواد قانونی مذکور و عدم قابلیت انتساب این جنایات به اشخاص حقوقی صحیح به نظر نمی‌رسد. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شرط اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی را شمول ماده ۱۴۳ بر آن‌ها دانسته و در همین ماده معیارهای قابلیت انتساب مجازات مشخص شده است. علاوه بر این، در قانون و فقه اسلامی مواردی وجود دارد که مجازات جنایات عمدی ساقط شده یا به تعزیر تبدیل می‌شود. به عنوان نمونه، ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی در مبحث قصاص بیان می‌کند که در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی‌علیه می‌تواند پیش از فوت از حق قصاص گذشت کند یا مصالحه نماید و پس از فوت او، اولیای دم یا وارثان نمی‌توانند مطالبه قصاص یا دیه کنند. در چنین مواردی، مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم خواهد شد. همچنین، ماده ۴۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است که در صورت عدم امکان اجرای قصاص، مجازات قصاص به دیه و تعزیر تبدیل می‌شود. در نتیجه، این موارد نشان می‌دهند که در صورت عدم امکان اجرای مجازات‌های خاص جنایات عمدی بر اشخاص حقوقی، اعمال مجازات‌های تعزیری به عنوان جایگزین، امری منطقی و قانونی است.

#### ۱۳/۴. امکان ارتكاب جنایات عمدی به نام و در راستای منافع شخص حقوقی

امکان ارتكاب جنایات عمدی به نام و در راستای منافع شخص حقوقی یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز در حقوق کیفری است. برخی مخالفان بر این باورند که جرائمی نظیر قتل عمد یا شرب خمر، به دلیل ماهیت فردمدارانه و عدم انطباق با اهداف سازمانی، قابل انتساب به اشخاص حقوقی نیستند. این دیدگاه با این استدلال مطرح می‌شود که چنین جرایمی معمولاً در راستای منافع سازمانی قرار نمی‌گیرند و اشخاص حقوقی، به‌عنوان نهادهایی دارای اهداف اقتصادی یا اجتماعی، انگیزه‌ای برای ارتكاب چنین جرایمی ندارند. باین‌حال، چالش اصلی این استدلال این است که "منافع شخص حقوقی" لزوماً محدود به کسب سود یا فعالیت‌های اقتصادی نیست. در برخی موارد، نهادهای حقوقی ممکن است برای حفظ منافع سیاسی، رقابتی یا راهبردی خود، اقداماتی انجام دهند که واجد وصف جنایت عمدی باشد. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌های مربوط به آلودگی‌های زیست‌محیطی، نقض گسترده حقوق کارگران یا حتی تصمیمات منجر به خسارات جانی، می‌توان استدلال کرد که اشخاص حقوقی به‌طور غیرمستقیم یا از طریق سیاست‌های خود در جنایات عمدی نقش داشته‌اند. بنابراین، نفی مطلق امکان انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، بدون در نظر گرفتن نوع و بستر ارتكاب جرم، تحلیل را دچار ساده‌سازی بیش از حد می‌کند. آنچه حائز اهمیت است، بررسی معیارهای تفکیک بین جرایمی است که اشخاص حقوقی می‌توانند در آن نقش فعال یا غیرمستقیم داشته باشند، در مقابل آن دسته که به‌طور مطلق غیرقابل انتساب هستند.<sup>۲۴</sup> در تحلیل قوانین موجود، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران تصریح دارد که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در صورتی برقرار خواهد بود که جرم ارتكابی توسط نماینده قانونی آن‌ها به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی انجام شود. بنابراین، ایراد اصلی در انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، به عدم تحقق شرایط مندرج در این ماده قانونی بازمی‌گردد.<sup>۲۵</sup> با توجه به این

<sup>۲۳</sup> مجتبی جعفری، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۵، ۲۰.  
<sup>۲۴</sup> Hugh White, and Louis Alexander, "The Limits of Corporate Liability: Theoretical and Practical Insights," Routledge, 2021.

<sup>۲۵</sup> حسین آقایی جنت مکان، حقوق کیفری عمومی (جلد اول، تهران: جنگل جاودانه، ۱۴۰۱).

محدودیت، ممکن است مجازات‌های مرتبط با جنایات عمدی به مجازات‌های تعزیری تبدیل شوند تا امکان اعمال آن‌ها در چارچوب حقوق کیفری فراهم شود.<sup>۲۶</sup> این چالش‌ها و ایرادات بیانگر ضرورت بازنگری در مقررات کیفری موجود و تطبیق آن‌ها با واقعیت‌های اجرایی و نظری جدید در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. بازنگری در این حوزه می‌تواند به تدوین مقرراتی منجر شود که به ماهیت واقعی و فعالیت‌های اشخاص حقوقی توجه بیشتری داشته و با اصول حقوقی مدرن سازگار باشد.<sup>۲۷</sup>

#### ۱۴/۴. دیدگاه مختار

تحلیل قابلیت انتساب جنایات عمدی و غیرعمدی به اشخاص حقوقی نشان می‌دهد که هرچند ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مبنای قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناخته می‌شود، اما نمی‌توان از محدودیت‌های ماهوی و تفسیری این ماده غافل شد. پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم عمدی، به‌ویژه قتل عمد، به دلیل ماهیت فردمدارانه این جرایم با چالش‌های جدی مواجه است. با این حال، نمی‌توان قابلیت عرفی و حقوقی انتساب برخی جنایات عمدی را در چارچوب مشخص نادیده گرفت. مطابق ماده ۵۸۸ قانون تجارت، شخص حقوقی می‌تواند مانند اشخاص حقیقی دارای حقوق و تکالیف باشد، اما این بدان معنا نیست که تمام جنایات عمدی به آن قابل انتساب باشد. در این راستا، مقاله حاضر از رویکردی میانه‌رو و واقع‌گرایانه پیروی می‌کند؛ به این معنا که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات غیرعمدی قابل‌پذیرش است، اما در جنایات عمدی، پذیرش این مسئولیت مستلزم شرایط خاصی است. بنابراین، انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جنایات عمدی نه به‌طور مطلق نفی می‌شود و نه بدون چارچوب خاص تأیید می‌گردد.

#### ۵. نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی با ابهامات و اختلاف‌نظرهای جدی مواجه است. برخی حقوقدانان آن را به دلیل ماهیت فردمدارانه این جنایات رد می‌کنند، درحالی‌که دیگران آن را قابل‌پذیرش می‌دانند. با گسترش نقش اشخاص حقوقی، وقوع جرایم توسط آن‌ها اجتناب‌ناپذیر شده و نبود شفافیت در قوانین کیفری، موجب سردرگمی در نظام عدالت کیفری می‌شود. بررسی این موضوع می‌تواند به ارائه راهکارهای قانونی برای رفع این چالش‌ها کمک کند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای انجام شده است. در ابتدا، مفاهیم نظری مرتبط با اشخاص حقوقی و جنایات عمدی بررسی شده و سپس، با تحلیل مواد قانونی مرتبط، نظرات مختلف درباره قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی در حقوق ایران و تطبیق آن با نظام‌های حقوقی بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف اصلی پژوهش، ارائه دیدگاهی روشن و مستدل درباره قابلیت یا عدم قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران است. با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش، می‌توان دریافت که بحث قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی به دلیل تلاقی دو مفهوم اساسی در حقوق کیفری—یعنی ماهیت فردمدارانه جرایم عمدی و مسئولیت سازمانی—همچنان یکی از مباحث پیچیده و محل اختلاف در نظام‌های حقوقی مختلف محسوب می‌شود. مسئله اساسی این است که در بسیاری از نظام‌های کیفری، جرم و مسئولیت کیفری به‌عنوان امری وابسته به اراده و قصد فردی تلقی شده و عنصر معنوی جرم که در جرایم عمدی نقش کلیدی دارد، بر این فرض استوار است که مرتکب دارای شعور، قصد و انگیزه مجرمانه است. این در حالی است که اشخاص حقوقی به‌عنوان نهادهای سازمان‌یافته، فاقد ذهنیت فردی هستند و اعمال آن‌ها از طریق نمایندگان یا مدیران صورت می‌گیرد. این مسئله موجب شده که انتساب جرایم عمدی، به‌ویژه جنایاتی نظیر قتل عمد، به اشخاص حقوقی، با چالش‌های جدی مواجه باشد. با این حال، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی اشخاص حقوقی در مقیاس جهانی، منجر به شکل‌گیری رویکردهای نوین در مسئولیت کیفری این نهادها شده است. امروزه در برخی نظام‌های حقوقی، مفهوم اراده سازمانی به‌عنوان جایگزینی برای اراده فردی در نظر گرفته شده و برخی تئوری‌های جدید، از جمله نظریه "فرهنگ شرکتی" یا "سیاست‌های سازمانی"، زمینه‌های پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را حتی در جرایم عمدی فراهم کرده‌اند. این دیدگاه، به‌جای تمرکز صرف بر عنصر معنوی فردی، بر سیاست‌ها، تصمیمات و رویه‌های سازمانی تمرکز دارد که منجر به ارتکاب جرم می‌شود. بر این اساس، چنانچه جرم ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلی یا فرهنگ غالب در یک سازمان باشد، می‌توان مسئولیت آن را به شخص حقوقی منتسب کرد. در حقوق ایران، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته اما درباره شمول آن نسبت به جنایات عمدی

<sup>26</sup> Thanh Nguyen, "Corporate Law and Criminal Liability: A Comparative Analysis," Cambridge University Press, 2023.

<sup>27</sup> Kevin Lee, and Daniel Martin, "Revisiting Corporate Criminal Responsibility: New Perspectives," Oxford University Press, 2022.

سکوت کرده است. از سوی دیگر، ماده ۲۰ همین قانون، مجازات‌هایی مانند انحلال، مصادره اموال و ممنوعیت از فعالیت را برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است، اما مشخص نکرده که آیا این مجازات‌ها می‌توانند جایگزین مجازات‌های سنتی نظیر قصاص در جنایات عمدی شوند یا خیر. این وضعیت باعث ایجاد یک خلأ حقوقی شده که در رویه‌های قضایی نیز بازتاب یافته است؛ به گونه‌ای که برخی محاکم، انتساب جنایات عمدی را به اشخاص حقوقی نپذیرفته‌اند، درحالی‌که در مواردی نظیر پرونده خون‌های آلوده، اشخاص حقوقی به واسطه نقش غیرمستقیم‌شان در جنایات عمدی، محکوم شده‌اند. این عدم انسجام در تفسیر قوانین، نشان‌دهنده ضرورت اصلاح و تکمیل چارچوب حقوقی ایران در این زمینه است. یکی دیگر از چالش‌های مطرح‌شده در این پژوهش، مسئله اجرای مجازات‌های جنایات عمدی بر اشخاص حقوقی است. از آنجایی‌که مجازات‌هایی مانند قصاص و حبس طولانی‌مدت مختص افراد حقیقی است، مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی استدلال می‌کنند که انتساب جنایات عمدی به این اشخاص، در عمل فاقد ضمانت اجرایی است. این در حالی است که بررسی نظام‌های حقوقی تطبیقی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها به جای رد کامل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به تدوین مجازات‌های جایگزین نظیر جریمه‌های سنگین، تعلیق فعالیت، نظارت قضایی و اصلاح ساختارهای مدیریتی پرداخته‌اند. بنابراین، به جای نفی مطلق قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، می‌توان با بهره‌گیری از این مدل‌ها، چارچوبی برای مسئولیت کیفری این اشخاص طراحی کرد که با ساختارهای قانونی و قضایی ایران نیز سازگار باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، اصلاح نظام حقوقی ایران در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، چند پیشنهاد راهبردی ارائه می‌شود: قانون‌گذار باید به‌طور شفاف مشخص کند که آیا این ماده شامل جنایات عمدی نیز می‌شود یا صرفاً به جرایم تعزیری محدود است. برای اشخاص حقوقی، باید مجازات‌هایی طراحی شود که متناسب با ماهیت آن‌ها باشد. به‌عنوان مثال، به جای قصاص یا حبس، می‌توان مجازات‌هایی نظیر تعطیلی موقت، انحلال، یا جریمه‌های کلان را در نظر گرفت. دیوان عالی کشور باید با صدور آرای وحدت رویه، معیارهای دقیق‌تری را برای انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی تعیین کند تا از تشتت آرا در محاکم جلوگیری شود. به جای تمرکز صرف بر مسئولیت کیفری پس از وقوع جرم، باید نظام‌های کنترلی پیشگیرانه‌ای ایجاد شود تا از سیاست‌گذاری‌های مجرمانه در نهادهای حقوقی جلوگیری شود. مطالعه تطبیقی مدل‌های حقوقی کشورهای دارای نظام کامن‌لا و حقوق رومی-ژرمنی می‌تواند به تدوین یک چارچوب مناسب برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران کمک کند. درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که پذیرش یا رد مطلق قابلیت انتساب جنایات عمدی به اشخاص حقوقی، نمی‌تواند پاسخگوی واقعیت‌های حقوقی و اجتماعی باشد. به جای این دو دیدگاه افراطی، باید یک رویکرد میانه‌رو و مبتنی بر اقتضائات نظام حقوقی و ساختارهای سازمانی اتخاذ شود که هم حقوق بزه‌دیدگان را تضمین کند و هم با اصول کیفری سازگار باشد. به‌عبارت‌دیگر، اصلاح و تکمیل چارچوب قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جنایات عمدی، نه تنها یک ضرورت حقوقی بلکه یک نیاز عملی برای عدالت کیفری در ایران محسوب می‌شود.

## منابع

- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ بیست و نهم، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱.
- اشتیاق، وحید. «گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی واکنش واقع‌گرایانه به آثار توسعه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۶، ۱۱۶.
- آقایی جنت مکان، حسین. حقوق کیفری عمومی، جلد اول، تهران، جنگل جاودانه، ۱۴۰۱.
- آقایی نیا، حسین. حقوق کیفری اختصاصی، نشر میزان، ۱۴۰۲.
- پور بافرانی، حسن، حقوق جزای عمومی، مجرم و مسئولیت کیفری، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۴۰۲.
- جعفری، مجتبی. «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۵.
- حاجی ده آبادی، احمد. جرائم علیه اشخاص (قتل)، نشر میزان، ۱۴۰۱.
- زراعت، عباس. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم. تهران: جاودانه جنگل، ۱۴۰۲.
- شامبیاتی، هوشنگ. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۲.
- شریفی، محسن. دانشنامه مسئولیت کیفری: مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران، نشر حقوقی میزان، ۱۳۹۸.
- شریفی، محسن. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، نشر میزان، ۱۴۰۲.
- شیرویی، عبدالحسین. حقوق تطبیقی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۴۰۰.
- منصور میر سعیدی، «ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و اسلام». رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.

میر محمدصادقی، حسین. مروری بر حقوق جزای انگلستان. چاپ اول، تهران: نشر حقوق دان، ۱۴۰۲.  
میرمحمد صادقی، حسین. حقوق جزای عمومی. جلد دوم. مسئولیت کیفری، چاپ اول دادگستر، ۱۴۰۲.  
میرمحمد صادقی، حسین. حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، نشر میزان، ۱۴۰۱.  
نبی پور، محمد. «شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله تعالی حقوق، ۱۳۹۸، (۷).  
نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰.  
ولیدی، محمد صالح. حقوق جزا (مسئولیت کیفری)، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۱.

Jones, Robert, and Turner, Simon. "Corporate Criminal Liability: Challenges and Developments." Palgrave Macmillan, 2022.

Lee, Kevin, and Martin, Daniel. "Revisiting Corporate Criminal Responsibility: New Perspectives," Oxford University Press, 2022.

Mir Mohammad-Sadeghi, Mohammad. "Principles of Criminal Law in Iran: Theory and Practice," Tehran Law Publications, 2023.

Nguyen, Thanh. "Corporate Law and Criminal Liability: A Comparative Analysis," Cambridge University Press, 2023.

Wells, Christina. "Corporate Criminal Liability: A Global Overview," Cambridge University Press, 2023.

White, Hugh, and Alexander, Louis. "The Limits of Corporate Liability: Theoretical and Practical Insights," Routledge, 2021.

## **Examining the Limits and Conditions of Attributing Intentional Crimes to Legal Entities**

### **Abstract**

The criminal liability of legal persons is one of the most complex and controversial topics in contemporary criminal law. With the expansion of legal entities' activities and their impact on public order, the issue of attributing crimes—especially intentional crimes—to these entities has gained significant importance. Criminal liability is generally contingent upon the commission of a crime, whether intentional or unintentional, but this issue is particularly prominent in the domain of intentional crimes. In Iran's legal system, Article 143 of the Islamic Penal Code (IPC) of 2013 formally recognizes the criminal liability of legal persons. However, the silence of the legislator regarding the attribution of intentional crimes to legal entities has led to divergent legal opinions. Some scholars argue that such crimes, due to their inherently individualistic nature and the requirement of personal intent and will, cannot be ascribed to legal persons. Conversely, others believe that collective will and organizational policies can serve as the foundation for establishing the criminal liability of legal persons. This study, employing an analytical-descriptive method and a comparative legal approach, examines the feasibility of attributing intentional crimes to legal persons. While these crimes

are inherently individual-centric, an analysis of comparative legal practices and certain interpretations of domestic laws suggests that under specific frameworks, the recognition of legal persons' criminal liability for intentional crimes is possible. Accordingly, this research analyzes fundamental legal concepts and relevant legal systems to explore the existing legal capacities and propose solutions for clarifying the legal status of legal persons concerning intentional crimes.

**Keywords:** Legal Persons, Intentional Offenses, Attributability, Criminal Liability.